

# باند کورگان

از دکتر مهدی کی‌نیا استاد دانشگاه

است.

شازال در کتاب «جرم‌شناسی نوجوانی» مینویسد: «کودکان وقت خود را بین سینما، جشنهای عمومی بیگانگان، استخرهای سرپوشیده، محله، بادبادک‌بازی یا بالون هوا کردن در اراضی بایر، تقسیم میکنند. رفتارشان تقریباً همیشه ضد اجتماعی است: دله‌دزدی میکنند، دستبرد میزنند، به قاچاق میپردازند، راهزنی میکنند، در سیزده‌سالگی به دنبال دختران راه میافتند و در آن میان به جستجوی رفیق میپردازند در شانزده سالگی، تمام وقت وسوسه دختر در دل میپروانند؛ این امر فقط همین یک نیاز جنسی نیست به نظر ما بیشتر به منظور وقت‌گذرانی است و هم خود را صرف این موضوع میکنند تا به دیگران بقبولانند که دارای شخصیت سردانه شدند.»<sup>۱</sup>

عواملی که کودکان را بشرکت در باند سوق میدهد چیست؟

این عوامل عبارتند از:

الف - نخست عوامل عاطفی در پیش

دکتر ادسوند لوکار دانشمند گرانمایه فرانسوی که آثار متعدد در جرم‌یابی دارد در کتابیکه تحت عنوان «دفاع در برابر جنایت» منتشر نموده نوشته است:

«جنایتکاران حرفه‌ای خانواده‌ای تشکیل نمیدهند. تبه‌کاران از آغاز کودکی به خدمت جنائی درمی‌آیند و این امر معلول یک علت است و آن ولگردی کودکان است.»<sup>۱</sup>

فری پدر جامعه‌شناسی جنائی در اثر پر ارج خود تحقیقی دربارهٔ پیدایش ولگردی و دگرگونی یک پدیده به هنجار به پدیده نابهنجار بر اثر تحول زندگی اقتصادی و ظهور صنایع بزرگ دارد که ما آنرا ترجمه و در صفحات ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳ جامعه‌شناسی جنائی (جلد سوم علوم جنائی) منتشر کرده‌ایم.

هرچند دربارهٔ باند کودکان آثار تحقیقی پژوهندگان ناسی را جداگانه مورد بررسی قرار خواهیم داد ولی چنین به نظر میرسد که همگی در این نکته اتفاق نظر دارند که محیط طبیعی کودکانیکه باند جنائی تشکیل میدهند کوچک

است زیرا نیروی عاطفی باند همیشه در سطح بالاست؛ رفقای خوب کسانی هستند که یکدیگر را دوست دارند و به یکدیگر کمک میکنند. کودکانی که کانون خانوادگی خود را از نظر عاطفی بی‌فروغ می‌یابند اثری از مهر و محبت نمی‌بینند، کششی برای کمک به یکدیگر در آن سردخانه‌ها احساس نمیکنند به‌سوی سرازیری کشانده میشوند که این کمبودها را جبران کند.<sup>۳</sup>

در همین زمینه است که آقای دکتر سیروس عظیمی متخصص روانشناسی بالینی، استاد و مدیر گروه روانشناسی و معاون آموزشی دانشکده ادبیات دانشگاه ملی ایران در اثر ارزنده خود، ضمن بررسی علل سوئیپاتی یا انحراف اجتماعی چنین سئویسند:

«... اغلب اطفالی که به‌سوی انحراف می‌گیرند از خانواده‌های ناکام شده و بی‌مهر آمده‌اند، تردیدی نیست گرایش آنها برای عضویت در گروه اطفال همسال بسیار شدید خواهد بود. گاه‌گروه می‌تواند نقش خانواده را ایفاء کند و احتیاجات عاطفی فرد را تشفی نماید. بدیهی است فرد می‌تواند به‌گروههایی بپیوندد که افراد آنرا منحرفین اجتماعی تشکیل ندهند ولی چنانچه جنبهٔ مخاطره‌آمیز و به‌ظاهر جالب این قبیل دسته‌ها را در نظر گیریم توجیه پیوستگی فرد به آنها دشوار نخواهد بود.»

«فردی که علاقمند به انتقام‌جویی از والدین خودش است دسته‌های منحرفین را بهترین همکاران خواهد یافت. غالب این افراد اذعان دارند عضویت در چنین گروههایی سبب رنج و تعصب بیشتر والدین آنها خواهد شد. کودکان و نوجوانان عادی که بستگی‌های مناسب عاطفی با والدین خود دارند نیز کم یا بیش علاقمند به عضویت در گروههای منحرف هستند ولی فشار وجدان و فراخود و همچنین احساس گناه از چنین کیفیتی ممانعت

نمیکنند. بدیهی است اگر فراخود رشد کافی نداشته باشد بستگی فرد به‌چنین دسته‌هایی مشکل نخواهد بود. حال چنانچه محیط زندگی کودک و محلهٔ سکونت او فقیرنشین و آلوده باشد مشکلی در مورد جستجوی رفیق ناباب، ولگرد و منحرف نخواهد بود.»<sup>۴</sup>

ب - عامل قدرت‌طلبی - دومین عامل مؤثر در ایجاد باند کودکان، عامل قدرت‌طلبی یا قدرت‌خواهی است که هر کودکی در نهاد خود دارد. باند برای کودکان منشاء قدرت است. «کسانی که اطاعت نمیکنند... در می‌یابند که اجزائی از یک کل هستند. کسانی که فرمان میدهند - رئیسان و پیشوایان - سبب اسلاف خود هستند.»

به این ترتیب باند کودکان از یک‌سو با جمعیت سازمان یافته اجتماع به‌مخالفت می‌پردازد و از سوی دیگر میکوشد تا خود را به سطح مردان بزرگ سال برساند.<sup>۵</sup>

پ - عامل غریزی - پسر جوان، به نیروی باند میتواند نیازهای سنی خود را برآورد. احتیاج به بازی و حادثه‌جویی و حادثه آفرینی در باند برآورده میشود. باند «مسدود» و تابع قواعد و اوامر شدید است.

ت - عوامل اخلاقی - بانا احساس گناه و مجرمیت را از بین میبرد، چون سیئات و شایع مورد تصویب جمعی باند قرار می‌گیرد دیگر قبح آن از بین می‌رود و محلی برای احساس گناه و ناراحتی وجدان باقی نمی‌ماند. باند کودکان به‌خودی‌خود بوجود می‌آید و منشاء بروز رفتار ضد اجتماعی می‌گردد. شازال در کتاب «جرم‌شناسی نوجوانی» نوشت: «برای دزدیدن گرد هم نمی‌آیند، نخست دور هم گرد می‌آیند سپس به دزدی می‌پردازند.»<sup>۶</sup>

طبق تحقیقات بانوگالی ۲۹/۷۷ درصد دزدان با پیشینهٔ کیفری اعلام داشته‌اند که رفتار ضد اجتماعی را در کودکی‌ها فرا گرفته‌اند.



اختصاص داده‌اند و از بیلان تحقیقات یونسکو و کنگره‌های بین‌المللی در اثر خود چنین نقل کرده‌اند: ۷ درصد باندها کمتر از ۱۲ سال دارند، ۱۵ درصد باندها از ۱۲ تا ۱۴ سال، ۳۸ درصد از ۱۴ تا ۱۶ سال دارند، ۴ درصد از ۱۶ تا ۱۸ ساله هستند. دختران را چندان رغبتی در باند نیست من حیث‌المجموع از ۴ تا ۵ درصد دختران بزهکار، آنهم در سنین بالا در باندها شرکت داشتند.

خصوصیات جرائم نوجوانان در باند عبارتست: تخریب آثار هنری در سنین حدود ۱۵ سالگی، سرقت در حدود ۱۶ سالگی، حمله به اشخاص در حدود بالاتر از ۱۸ سالگی. ۸۵ درصد پسرانیکه در باندها شرکت دارند دارای کار روزانه هستند که ۴ درصد آنها در کارشان نامنظم هستند. پسران عضو باندها به تمام گروههای اجتماعی از شریف تا وضع، کارگر و سرمایه‌دار، تعلق دارند و از

آقای پی‌ناتل اضافه میکنند: باندی که شازال در ۱۹۵۲ تشریح کرده است با آنچه که امروز در فرانسه مشاهده میشود یکی نیست. باندهای دوران پس از جنگ با همکاری نزدیکان و باتکای تبهکاران حرفه‌ای به ماجراجویی جنگی ادامه میدادند.

بررسی مرکز و وکرسون دربارهٔ جوانان بزهکار نشان میدهد که باندهای کنونی خصوصیات باندهای دوران جنگی را از دست داده‌اند و به‌علاوه از میان ۵۰۰ نفر نوجوان بزهکار ۳۲۴ تن عضو هیچ باندی نیستند، ۸۱ تن در باندهائی شرکت دارند که به فعالیت‌های مجرمانه میپردازند، ۲۱ تن لیدر باندهای بزهکاران هستند.<sup>۶</sup>

دکتر روژه مولک شیلی<sup>۷</sup> استاد روانشناسی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی رن در تألیف پرارزش خود «چگونه تبهکار میشوند» فصلی را به تحقیق دربارهٔ باند، به‌ویژه باند نوجوانان

دکتر آسیایو میرا ای لویزا<sup>۱</sup> مینویسد: بزهکاران آینده دو دسته‌اند: دسته‌ای که برای ورود در جرگه بزهکاران، کار خود را از شرکت در باند آغاز میکنند و دسته‌ای دیگر بدون شرکت در باند راه بزهکاری را خواهند پیمود. دسته نخست از پسر بچه‌هایی تشکیل میشود که در تلاش خود برای انطباق اجتماعی شکست خورده‌اند، نوجوانانی ترسو و دورو هستند به پشتیبانی و حمایت دیگران نیازمندند تا از بی‌عدالتی‌هایی که درباره آنان شده است انتقام گیرند؛ دسته دوم (کسانی که به باند نیازی ندارند) به‌طور قطع متکی به «خود» هستند و برای «خود» یک ارزش سیالغ آمیز قائلند. این دسته: مغرور، بدگمان، بی‌اعتماد، گستاخ، پرور، تهدید کننده و پرخاشگرند.

رندلف، ریچاردسون و جانسون<sup>۲</sup> با اسلوب علمی روان‌سنجی، شصت و دو بزهکار ۱۴ تا ۱۸ ساله را با تست‌های هوش و شخصیت آزرده‌اند و به این نتیجه دست یافته‌اند که «تک‌روها» دارای بهره هوشی بالاتر هستند و بعلاوه از نظر شخصیت، به مراتب بیش از دیگران دچار انحراف می‌باشند و این دسته چندان تحت تأثیر عوامل اجتماعی نبوده‌اند. به‌عکس بزهکارانی که در باند شرکت داشته‌اند ضریب هوشی آنان ضعیف‌تر، سطح اقتصادی آنان پایین‌تر بوده و عوامل اجتماعی در آنان نقش تعیین کننده داشته‌اند.

پرفسور آلبرت کوهن<sup>۳</sup> در اثر تحقیقی خود این نکته را روشن کرده است که «گروه در نظر نوجوان، راه‌حلی برای مسائل پیچیده اوست.»

فیلیپ ربر<sup>۴</sup> دانشیار جامعه‌شناسی جنایی دانشکده حقوق بر دو کتابی در ۳۸۷ صفحه به سال ۱۹۶۶ تحت عنوان «باند جوانان» منتشر کرده به توجیه آسیب‌شناسی اجتماعی

باندها و سازگاریهای فردی اشخاص پیش از عضویت در باند پرداخت.

این محقق موضوع را بدین شرح مطرح ساخت: آیا جاذبه باندهاست که جوانان را به سوی خود میکشاند و یا ویژه‌گی‌های زندگی فردی نوجوانان و ناسازگاری آنان و اوضاع و احوالی از قبیل مسکن و گذراندن اوقات فراغت ورود آنانرا به جرگه باندها تسهیل میکند؟ یا آنکه همه این عوامل در پیدایش باندها مؤثرند.

در رأس ناسازگاری‌ها از مسائل خانوادگی و ساورای خانوادگی سخن‌ها دارد. پیداست که مقصود محقق از ناسازگاریهای ساورای خانوادگی مشکلاتی است که از محیط تحصیلی، کارآموزی حرفه‌ای و حتی شغل به این امر دامن می‌زند.<sup>۱۳</sup> و بنا به روایت همین محقق، عده‌ای از روانپزشکان متخصص در بزهکاری نوجوانان، حضور افراد پسیکوپات را در باندها تأیید کرده‌اند؛ همچنین در این نکته متفق‌القولند که شخصیت‌های از هم پاشیده فاقد خصیلت جامعه‌پذیری برای زندگی گروهی هستند. تحقیقات دیگر مؤید وجود اختلال‌های روانی به‌ویژه پارانوئیا، لیدرشیپ یا رهبری، تهی‌مغزی در افراد باند می‌باشد. وجود «بزه‌های اخفی» را در باندهای تبهکاران نمیتوان نادیده گرفت. عده‌کثیری در اثر کمبود بهره هوشی و بمنظور ارضای نیاز اجتماعی، عضویت و مشارکت در باند را چشم‌بسته پذیرفته‌اند. توجهی دقیق‌تر در گروه اخیر نمایانگر این حقیقت است که بسیاری از اعضای باندها در اثر ناسازگاری با محیط‌های پیشین، در این ورطه‌ها سقوط کرده‌اند. در نظر روانپزشکان و روانشناسان قسمت اعظم افراد باندها بر اثر شکست‌های عمیق در زمینه‌های عاطفی و تربیتی به شرکت در باند رو آورده‌اند<sup>۱۴</sup>.

ناسازگاری با محیط خانوادگی به نوبه خود زائیده مسائل متعدد این محیط اجتناب ناپذیر است از آنجمله موقعیت اجتماعی - حرفه‌ای، کار مادر در خارج از منزل، سابقه بزهکاری والدین یا الکلیسم آنان، سلوک و رفتار و محیط عاطفی و تربیتی خانواده، کثرت برادران و خواهران و حتی منظومه خانوادگی است.

گزارش تحقیقات دادگاه اطفال که در نشریه «پرورش تحت مراقبت» سال ۱۹۶۰ درباره موقعیت گروههای اجتماعی - حرفه‌ای منتشر شده است نمایانگر این حقیقت تلخ است که بیش از نیمی از افراد باندها را فرزندان کارگران تشکیل میدهند و درصد جمعیت فعال و درصد اعضای باندها در سال مذکور که از میان طبقات مختلف برخاسته‌اند به این شرح بوده است:

۱۸ درصد افراد باندها به خانواده‌های ممتاز سرفه یا بالنسبه سرفه تعلق دارند.<sup>۱۰</sup>  
مرکز تحقیقات و وکرسون جدول دیگری

گروههای اجتماعی - حرفه‌ای	جمعیت فعال	باندها
بهره‌وران کشاورزی	۲۰/۳۷ درصد	۴/۴۹ درصد
مزدوران کشاورزی	» ۴/۶۵	» ۱/۲۰
اربابان و کادرها	» ۲۱/۶۴	» ۱۶/۱۸
کادریهای متوسط	» ۳/۷۳	» ۱/۸۰
خدمتگزاران	» ۱۱/۱۶	» ۱۲/۲۷
کارگران	» ۳۱/۳۰	» ۵۲/۹۹
کارمندان	» ۵/۷۷	» ۸/۶۰
سایر طبقات	» ۱/۳۷	» ۲/۴۰

منتشر ساخته است که رابطه کمی مشاغل و باندها و بزهکاری نوجوانان را نشان میدهد. از این جدول که ذیلا نقل میشود، پیداست که از میان فرزندان اربابان تجارت و صنعت و کشاورزان، آنقدر که به باندها کشیده میشوند به مراتب کمتر از درصد بزهکاران طبقات خود میباشند ولی در بین فرزندان کارگران و دارندگان مشاغل آزاد، گرایش تبهکاری و شرکت در باندها تفاوت محسوس ندارد:

با اینکه یک چهارم جمعیت فعال فرانسه را کشاورزان تشکیل میدهند (مجموع سطرهای اول و دوم) ولی فقط در حدود ۵ درصد افراد باند از میان آنان برخاسته‌اند و از این رهگذر کشاورزان کمتر از سایر طبقات اجتماعی آسیب‌پذیر هستند بعلاوه نمیتوان پذیرفت که باندهای یک پدیده شهری و متعلق به جامعه صنعتی است بالاخره باید خاطر نشان کرد که

بزهکاری نوجوانان		باند‌ها	مشاغل
درصد	۹/۴	درصد	۴/۹
»	۱۳/۴	»	۷/۸
»	۲/۵	»	۲/۸
»	۱۴/۵	»	۱۹/۷
»	۵۱/۱	»	۵۲/۸
»	۹/۱	»	۱۲/۰
»	۹/۸	»	۹/۶

مشاغل کشاورزی  
 اربابان (تجارت، صنعت)  
 مشاغل آزاد  
 خدمتگزاران  
 کارگران  
 بخشهای دیگر  
 غیرفعالان

( اقتباس از کتاب «باند‌های جوانان» اثر فیلیپ ربر - صفحه ۲۳۳ )

